

پیش‌بینی طلاق عاطفی بر اساس نیازهای بنیادین روانشناختی، انتظارات زناشویی و عملکرد خانواده

Predicting emotional divorce based on psychological basic needs, marital expectations and family function

Zabihallah Khan Mohamammadi

Counseling

Saeideh Bazzazian,

Mojtaba Amiri Majd &

Mohammad Ghamari

Islamic Azad University, Abhar Branch

ذبیح‌اله خان محمدی^۱

مشاوره

سعیده بزازیان^{۲*}

مجتبی امیری مجد^۳ و

محمد قمری^۴

دانشگاه آزاد اسلامی، واحد ابهر

چکیده: طلاق عاطفی به‌عنوان یکی از متغیرهای مؤثر در روابط فرازناشویی و طلاق قانونی تحت تأثیر عوامل مختلفی از جمله نیازهای بنیادین روانشناختی، انتظارات زناشویی و عملکرد خانواده قرار دارد. پژوهش حاضر با هدف آرایه مدلی برای پیش‌بینی طلاق عاطفی بر اساس نیازهای بنیادین روانشناختی، انتظارات زناشویی و عملکرد خانواده انجام شد. بدین منظور از بین کلیه زنان متأهل شرکت‌کننده در کلاس‌های آموزش خانواده در شهر ابهر که در محدوده سنی ۵۰-۲۵ قرار داشتند، ۲۴۸ نفر انتخاب شدند. از شرکت‌کننده‌ها خواسته شد مقیاس نیازهای بنیادین روانشناختی (BNSG-S)، ابزار سنجش خانواده (FAD)، پرسشنامه‌های انتظارات زناشویی (MEQ) و طلاق عاطفی (EDQ) را تکمیل کنند. نتایج پژوهش حاضر نشان داد که بین نیازهای بنیادین روانشناختی و انتظارات زناشویی با طلاق عاطفی همبستگی منفی و بین عملکرد خانواده و طلاق عاطفی همبستگی مثبت وجود دارد. همچنین رابطه نیازهای بنیادین روانشناختی و عملکرد خانواده منفی و معنادار بود. نتایج تحلیل مسیر نشان داد که نیازهای بنیادین روانشناختی به‌طور غیرمستقیم از طریق عملکرد خانواده بر طلاق عاطفی تأثیر دارد. انتظارات زناشویی هم به‌طور مستقیم و هم به‌طور غیرمستقیم از طریق عملکرد خانواده بر طلاق عاطفی تأثیرگذار بود. همچنین مشخص شد که عملکرد خانواده بر طلاق عاطفی تأثیر دارد. بر اساس یافته‌های این پژوهش می‌توان نتیجه گرفت که رابطه نیازهای بنیادین روانشناختی و انتظارات زناشویی با طلاق عاطفی یک رابطه خطی نیست و عملکرد خانواده می‌تواند در این رابطه نقش واسطه‌ای داشته باشد.

واژه‌های کلیدی: نیازهای بنیادین روانشناختی، انتظارات زناشویی، عملکرد خانواده، طلاق عاطفی

Abstract: Emotional divorce, as an essential factor in extramarital relations and legal divorce, is influenced by different variables such as psychological basic needs, marital expectations and family function. This study was carried out to provide a model for predicting emotional divorce based on psychological basic needs, marital expectations and family functioning. 248 married women (age 25-50) were selected from the participants in family training programs in Abhar. They completed the Basic Needs Satisfaction in General Scale (BNSG-S), the Family Assessment Device (FAD), the Marital Expectations Questionnaire (MEQ) and the Emotional Divorce Questionnaire (EDQ). The results showed negative correlations between psychological basic needs and marital expectations and emotional divorce as well as positive correlations between family function and emotional divorce. Also, psychological basic needs and family function were significantly correlated. Results of path analysis showed that psychological basic needs could affect emotional divorce indirectly through family function. Marital expectations exerted both a direct and an indirect effect, through family function on emotional divorce. It was also shown that family function had an impact on emotional divorce. The findings suggest that the relations between psychological basic needs, marital expectations and emotional divorce are not linear and family function could play a moderating role in these relations.

Keywords: psychological basic needs, marital expectations, family function, emotional divorce

پذیرش: ۱۳۹۷/۰۴/۲۰

Received: 14 Nov 2017

دریافت: ۱۳۹۶/۰۸/۲۳

Accepted: 11 Jul 2018

۱. دانشجوی دکتری، گروه مشاوره، واحد ابهر، دانشگاه آزاد اسلامی، ابهر، ایران

۲*. دانشیار، گروه روانشناسی، واحد ابهر، دانشگاه آزاد اسلامی، ابهر، ایران،

نویسنده مسوول، پست الکترونیکی: sbazzazian@gmail.com

۳. دانشیار، گروه روانشناسی، واحد ابهر، دانشگاه آزاد اسلامی، ابهر، ایران

۴. دانشیار، گروه روانشناسی، واحد ابهر، دانشگاه آزاد اسلامی، ابهر، ایران

